

چه کسی صحابی تر است؟^۱

نقدی بر ترجمه اللمع فی التصوف

محمدرضا زادهوش

ابونصر سراج، عبدالله بن علی (۳۷۸ق)؛ اللمع فی التصوف، ترجمه مهدی محبتی (۱۳۴۴ -)؛ باتصحیح رینولد آلن نیکلسون؛ ویراسته عبدالمحمد روح بخشان، تهران: اساطیر، چاپ اول / تابستان ۱۳۸۲ش،^۲ ۲۲۰۰ نسخه، ۵۰۹ص، فارسی، وزیری (گالینگور)، فهارس: آیات، اعلام، اماکن، کتب...

نویسنده اللمع

ابونصر عبدالله بن علی بن محمد بن یحیی مشهور به طاووس الفقرا^۳ از زاهدان مشهوری است که وفات او را در ماه رجب ۳۷۸ق در حال ادای نماز ثبت کرده‌اند. وی از نخستین صوفیانی است که دست به نگارش کتابی در گفتار و سیره مشایخ صوفیه می‌زند.

اللمع در قرن چهارم هجری به زبان عربی به نگارش در آمده، و ابونصر سراج کوشیده تا در قالب چهارده کتاب و ابواب گوناگون، از مبانی تصوف و صوفیان، و تعامل شریعت و تصوف، و اتحاد میان فقیهان و متشرعان با عارفان و صوفیان، و این که تصوف با حدیث و قرآن، تعارضی ندارد.^۴

نگارش‌های سراج

الف. الملح.^۵

ب. اللمع فی التصوف که تاکنون از چاپ‌های آن بدین ترتیب آگاهی یافته‌ایم:

۱. اللمع فی التصوف، تصحیح رینولد آلن نیکلسون، لیدن: بریل، ۱۹۱۴م، یب + ۴۷۲ +

۱۵۴ص. مرحوم نیکلسون (۱۸۶۸-۱۹۴۵م) پس از مقدمه‌ای درباره اللمع و سراج توسی و

- شرح حال بزرگان عرفان، متن عربی اللمع را با تصحیحات خود بر اساس نسخه شخصی آقای الیس و نسخه موزه بریتانیا آورده، و خلاصه اللمع را به زبان انگلیسی به دست داه، و فهراس فنی و نمایه‌های پسندیده‌ای را در پایان کتاب افزوده است.
۲. صحف من کتاب اللمع، به تصحیح و کوشش: ا. ج. آربری، لندن: [بی‌نا]، ۱۹۴۷ م. بخش‌هایی از اللمع را که در چاپ نیکلسون نیامده، آورده است.
۳. اللمع با تحقیق و مقدمه عبدالحلیم محمود و طه عبدالباقی سرور، مصر و بغداد: دارالکتب الحدیثه و مکتبه المثنی، چاپ اول ۱۳۸۰ ق / ۱۹۶۰ م. ارائه متن کامل اللمع برای نخستین بار در جهان.
۴. متن و ترجمه اللمع فی التصوف، به تصحیح: بن نیکلسون ترجمه قدرت الله خیطایان، محمود خورسندی، علی اشرف امامی و هنگامه اشرف امامی، [کاشان]: نشر فیض، چاپ اول تابستان ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۴۷۱، وزیر، شامل ترجمه مقدمه انگلیسی نیکلسون، ترجمه فارسی و متن عربی اللمع.
- نقد آرام و نسبتاً مثبت این کتاب: «اللمع فی التصوف»، در کتاب ماه (ادبیات و فلسفه)، احمد ابومحوب، سال پنجم، بهمن و اسفند ۱۳۸۰، شماره ۵۲ و ۵۳، صص ۶۴ - ۶۷
۵. اللمع با ترجمه مهدی محبتی که موضوع بحث ما است.

ترجمه حاضر

آن‌چه در نگاه نخست، حتی چشم یک خواننده عادی را نیز می‌آزارد، اندک نیست؛ کتاب، تنها مقدمه نیکلسون را در بر دارد؛ ولی بر روی جلد، صفحه عنوان و در شناسنامه نوشته‌اند: تصحیح و تحشیه رینولد آلن نیکلسون که مترجم، نسخه بدل‌ها را برای کوچک نمودن کتاب، حذف کرده،^۶ و علاوه بر این، به خصوص معنای تحشیه، معلوم نیست.

بر روی جلد و در صفحه عنوان و در شناسنامه: آلن نیکلسون، و در جای جای متن: الین نیکلسون. ویرگول و نقطه و علایم ویرایشی، بسیار اندک و رسم الخط به گونه‌ای بسیار چشم‌آزار و متعلق به قرون پیش است؛ چنان‌چه شاید مترجم گمان داشته با به کارگیری این روش، خواننده را به حال و هوای زمان نگارش اصل عربی کتاب، در قرن چهارم هجری ببرد؛ تا جایی که حتی «خشنودی» را نیز با این املا می‌یابیم: «خوشنودی».^۷

تعقید

مترجم حتی یک دور پس از اتمام کار، ترجمه خود را نخوانده؛ ولی چرا ناشر آن را همین طور به چاپ سپرده است، و با وجود آن که فراهم نمودن آن برای چاپ، سه سالی طول کشیده، مرور دوباره متن صورت نگرفته است.

جملات، عموماً به شکل نامناسب به نگارش درآمده‌اند؛ علاوه بر آن که همان مشکلی را دارد که گاه مترجمان را جوّ متن کهن فرا می‌گیرد، و یا گمان می‌کنند که فعل را در ابتدای جمله آوردن، و خلاصه، تغییر در ساختار دستوری جمله، بر قدمت ترجمه می‌افزاید:

از خدا است توفیق.

و نه نیز بعد از آنان نیامده است.^۸

هر گروهی را در دانش خویش کتاب‌ها و نوشته‌ها و اقوال و نیز پیشوایان مشهور است.^۹
سه گونه حال بیش ندارند.^{۱۰}

مقدمه مترجم

مترجم در مقدمه خود، ابتدا ذیل عنوان عرفان و روزگاران نو، به تعاریفی روزآمد از عرفان و تصوّف دست یابیده، و سپس به ارائه اطلاعاتی درباره جای‌گاه و محتوای *اللمع* پرداخته، و آن‌گاه پیرامون ترجمه خود از آن، چنین می‌نویسد: «روش مترجم... آن بوده است که معز معنا را در زبان و دهان خواننده اندازد، و در عین نگهداشت شیوه نثر مؤلف، و پاسداری از روح کلام، و عربیت آن، ترجمه را در حدّ توان، با امکانات و اقتضات زبان فارسی، هم‌خوان و هماهنگ سازد».^{۱۱}

نگاهی به ترجمه

متأسفانه ادعای مترجم درباره شیوه ترجمه، به کلی نادرست، و ترجمه به کلی مخدوش است. البته می‌توان گفت که ترجمه متن انگلیسی مقدمه نیکلسون، عموماً نسبت به ترجمه متن عربی، دقیق‌تر و پخته‌تر است؛ هرچند که خالی از ایراد نیست.

برخی ترجمه‌ها آن قدر به دور از ذهن و غیر منتظره است که خواننده را به شگفتی وا می‌دارد؛ از سویی گاهی آن چنان ترجمه به صورت تحت اللفظ انجام گرفته، و آن قدر کلمات و ترکیب‌های عربی به کار رفته که ارزش کار پیشین مترجم را در گزینش، و به کارگیری واژه‌های پارسی از میان برده است. به راستی برخی از کارهای مترجم در بازگردان متن عربی به زبان فارسی، عیب چندانی ندارد؛ به شرطی که در مقدمه به آن اشاره می‌کرد، و شیوه‌نامه خود را بیان می‌داشت.

وی جملات دعایی را گاه محذوف ساخته و گاه آورده است؛ در عنوان‌های فرعی دست برده، و حذف و اضافه کرده، و گاه، عناوین بسیاری را بدون کاربرد گروه افزوده، و حتی اشتباهات خود را در ترجمه عناوین باب‌ها هم گسترانده است.

ترجمه‌های کوتاه

در این بخش ترجمه‌های مترجم از واژه‌ها و یا جملات کوتاه را آورده‌ام تا خواننده از آن‌چه بر *اللمع* رفته است آگاهی یابد و بداند که انجام ترجمه بدون آگاهی کامل از زبان مبدأ و مقصد، به

آشنایی با موضوع مورد ترجمه نیز دارد که در غیر این صورت صدها ویراستار و نمونه‌خوان نیز بر راست گرداندن آن ترجمه نادرست توان نخواهد یافت؛ چنان‌چه ترجمه پیش رو را عبدالمحمد روح‌بخشان^{۱۲} مقابله نموده و باز هم فایده نداده است، و هنوز چنین مواردی را در آن می‌یابیم؛ به عنوان نمونه به موارد ذیل اشارت می‌شود:

فرمان روای ستم‌گر^{۱۳} در ترجمه: ملک جبار.

استمرار نیکی دل^{۱۴} در ترجمه: مداومة المحافظة علی القلوب.

یاوه^{۱۵} در ترجمه: محال.

رسیدگان در ترجمه: نهاییات.

او را خواهند شناخت^{۱۶} در ترجمه: کُشف عنه.

پخش^{۱۷} در ترجمه: شایع.

یقین آمیزی در ترجمه: حقّ الیقین.

سخنان پرشور در ترجمه: شطحیات.

کم‌گویان در ترجمه: مُقلّین که یکی از اصطلاحات خاصّ علم الحدیث است.

در نادانی آژمند^{۱۸} در ترجمه: ممّن فِدو له للجهل.

کسی پرسید^{۱۹} در ترجمه: ان سئل سائل، به جای: اگر بپرسند که...

چه کسی صحابی‌تر است؟^{۲۰} در ترجمه من اصحاب؟، به جای: هم‌نشین چه کسی باشم؟

حسن گفت در ترجمه: عن الحسن، به جای: از حسن روایت است که: ...

ترجمه جملات

مترجم، هرگاه در ترجمه با مشکل مواجه شده، و گریزگاهی را نیافته است، قسمت‌هایی را بدون ترجمه گذارده است؛ همچنین اشتباه در برخی بخش‌ها ناشی از تقطیع جملات عربی، جدا انگاشتن آن جملات بوده که خود ناشی از عدم آشنایی با ساختار و جمله‌بندی در زبان عربی است.

«و دوتو اسمائهم و کناهم و موالدهم و وفاتهم» ترجمه شده است: «نام‌ها و کنیه‌ها و فرزندان و تاریخ وفات آنان را تدوین نمودند».^{۲۱} در حالی که موالد به معنای تاریخ تولّد است، و موالید در معنای فرزندان به کار می‌رود.

«و لكل صنف من اهل العلم في علمه دواوين و مصنّفات و اقاويل و لكل صنف منهم ائمة مشهورون قد اجمع اهل عصرهم على امامتهم لزيادة علمهم و فهمهم»؛ ترجمه شده است: «هر گروهی را در دانش خویش کتاب‌ها و نوشته‌ها و اقوال و نیز پیشوایان مشهور است. و همگی بر آن‌اند که هرگاه اصحاب...».^{۲۲}

ترجمه درست آن چنین است: و هر گروهی از دانشمندان را در دانش خویش، کتاب‌ها و نوشته‌ها و گفتارهایی است؛ همچنان که پیشوایان مشهور که اهل زمان بر پیشوایی آنان به سبب فزونی دانش و درکشان، اجماع کرده‌اند.

در باب تخصصی بودن دانش‌ها باشگفتی تمام می‌خوانیم که: «و همگی بر آن‌اند که هرگاه اصحاب حدیث به مشکلی بر می‌خورند، و انگیزه‌ها و رازهای اخبار و شناخت رجال را در نمی‌یافتند، به فقیهان مراجعه می‌کردند؛ همان‌گونه که فقها هرگاه به مشکلی بر می‌خورند، به اصحاب حدیث روی می‌آوردند».^{۳۳} وقتی به متن عربی مراجعه می‌کنیم، چنین می‌یابیم: «و لا خلاف ان اصحاب الحدیث اذا اشکل علیهم علم من علوم الحدیث و علل الاخبار و معرفة الرجال لا يرجعون فی ذلک الی الفقهاء، و لو اشکل علیهم مسألة فی الخلیة و البریة و الدور و الوصایا لا يرجعون فی ذلک الی اصحاب الحدیث». یعنی: اصحاب محدثان و فقیهان، هیچ یک مشکلات خود را با یکدیگر مطرح نمی‌ساختند...؛ علاوه بر این که خلیه و بریه و دور و وصایا نیز در ترجمه فارسی حذف شده است!

«ما دام العبد یتعرف فیقال لا تختیر شیئا» ترجمه شده است: «بنده پیوسته در شناختن است تا این که گفته می‌شود هیچ چیز را انتخاب مکن».^{۳۴} به جای ترجمه صحیح: «بنده تا آن‌گاه که در راه عرفان گام می‌زند، به او می‌گویند که انتخاب مکن».

«احوال چیزهایی هستند که در دل درآیند و یا دل در آن‌ها در آید همچون صفای یاد خدا»^{۳۵} در ترجمه: «معنی الحوال فهو ما یحلّ بالقلوب او تحلّ به القلوب من صفاء الاذکار» که باید چنین معنا شود: احوال یعنی آن‌چه که در دل وارد شوند، و یا آن چیزی که به سبب صفای اذکار برای دل‌ها پدیدار شود. «و الاطمینان الی الکفایة» ترجمه شده است: «اعتماد به روزی رسانی خدا است».^{۳۶}

«من نظره الی قرب الله منه» ترجمه شده است: «چه خدا را بسیار نزدیک به خود می‌بیند»^{۳۷} به جای ترجمه صحیح: به سبب عنایتی که به قرب خداوند، نسبت به خود دارند.

در ترجمه «حتی لا تخرج الی رعوناتها من الادلال و الامن و الایاس و القطع» چنین می‌یابیم: «تا دچار خودپسندی و رعونت نگردد، و بریده و ناامید نیز نشود»^{۳۸} که باید چنین ترجمه می‌شد: تا به رعونت‌هایی، همانند: ناز، امنیت از عذاب الهی، ناامیدی و بریدگی از رحمت خداوند نشود.

جملات «همه یقین اثبات تمامی صفات برای خدا است و گفت: حدّ یقین امتداد انتصاب دل‌ها به خدا است و ابو یعقوب گفت: ...»^{۳۹} در ترجمه متن «الیقین فی جملته تحقیق الایات لله عزّ و جلّ بکلّ صفاته و قال: حدّ الیقین دوام انتصاب قلوب لله عزّ و جلّ بما آورد علیها الیقین من حرکات ما لافی به الالهام و قال ابو یعقوب...» آمده‌اند در حالی که ترجمه صحیح، چنین است: یقین - به طور خلاصه - عبارت است از: رسیدن به حقیقت اثبات خداوند عزّ و جلّ، با همگی صفاتش، و گفت: حدّ یقین، همان دوام انتصاب دل‌ها برای خداوند عزّ و جلّ است، با حرکت‌هایی که یقین بر آن‌ها وارد می‌سازد، و در معرض یقین است.

بیش از این نگوییم که حال نویسندگان و خوانندگان از بلایی که بر سر این متن کهن درآمده، دگرگون می‌شود، و از سویی، نقد چنین کتاب‌هایی نیز در سال‌های اخیر، سود چندانی نداشته، و ناشران، با وجود انتقادهای تندی که در مجلات از آنان و محصولات ایشان می‌شود، همچنان کتاب‌ها را بدون تغییر، به چاپ می‌سپرند.

پی‌نوشت:

۱. نام مقاله، برگرفته از جمله‌ای که در ترجمه فارسی *اللمع فی التصوف*، ص ۸۳ به کار رفته است؛ معادلی برای: من اصحب؟؛ با چه کسی هم‌نشینی کنم؟.
۲. در فیبا: ۱۳۸۱ ش.
۳. *نفحات الانس*، ص ۲۸۳.
۴. تقریباً همانند: *التعرف لمذهب التصوف* از ابوبکر کلابادی.
۵. *کشف الطنون*، ج ۵، ص ۳۶۶.
۶. *اللمع*، ص ۴۸.
۷. *اللمع*، ص ۷۲.
۸. همان، ص ۸۰.
۹. همان، ص ۷۸.
۱۰. همان، ص ۱۰۷.
۱۱. همان، ص ۴۴.
۱۲. همان، ص ۱۷.
۱۳. همان، ص ۷۳.
۱۴. همان، ص ۷۳.
۱۵. همان، ص ۸۰.
۱۶. همان، ص ۱۱۷.
۱۷. همان، ص ۷۸.
۱۸. همان، ص ۱۰۷.
۱۹. همان، ص ۷۹.
۲۰. همان، ص ۸۳.
۲۱. همان، ص ۶۸.
۲۲. همان، ص ۷۸.
۲۳. همان، ص ۷۸.
۲۴. همان، ص ۹۲.
۲۵. همان، ص ۹۷.
۲۶. همان، ص ۱۰۴.
۲۷. همان، ص ۱۱۱.
۲۸. همان، ص ۱۱۳.
۲۹. همان، ص ۱۲۰.

